

ای دوست محترم مهربان مدّتی است که بهیچ وجه از آن یار دیرین خبری

نرسیده

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۴۶۰

هو الله

انگلند جناب پروفیسر ادوارد برون المحترم

هو الله

ای دوست محترم مهربان مدّتی است که بهیچ وجه از آن یار دیرین خبری نرسیده و نور محبتی ندمیده و گوش انتظار پیامی نشنیده ما زیاران چشم یاری داشتیم یاد ایّامی که باآوارگان در این سامان سر و سودا داشتی همیشه مذکور و مرکوز وجدان و سبب شادمانی دل و جانست با وجود آنکه رشته محبت پیوسته است و الفت قلبیه باقی و برقرار آیا چه شد که نسیان بر قلب یاران مستولی شد یاد یاران یار را میمون بود اگرچه فسحت و وسعت ایّام آن دوست قدیم را مشغول بمسرّت و شادمانی نموده و بکامرانی واداشته در این صورت یاد آوارگان افتادن آسان نه مگر قوه کلّیه بی بیان آید و مجبور بر تذکر دوستان قدیم کند

یاد آید ای مہان زین مرغ زار
یک صباحی در میان مرغزار

باری مقصود اینست که ما بر الفت قدیم ثابتیم و انشاءالله نابت مرور دهور فراموشی نیارد و خاموشی نبخشد همواره پیاد شما مشغولیم و بذکر شما مألوف علی الخصوص چون مناسبتی بمیان آید و مؤانستی گردد زیرا موهبت عظیمه بی از حضرت یزدان در حقّ آن یار مهربان شده باید قدر آن را بداند و آن اینست که از مورّخین فرنگستان کسی جز آن جناب بساحت اقدس فائز نگشت و این موهبت تخصیص بشما یافت بسیار باید قدر این بخشش یزدانی و موهبت رحمانی را بدانید هرچند حال معلوم نه ولکن در استقبال نهایت اهمّیت را پیدا خواهد نمود



ORIGINAL

ای یار مهربان این را بدان که این موهبت تاج کرامتی است بر هامه تو که قرون عظیمه مدار مفخرت جمیع منتسبین و خویش و پیوند است تعجب مفرما قدری در قرون اولی ملاحظه کن که در ایام حضرت روح مؤانست شب و روز آن حضرت در نزد نفسی اهمیت نداشت و الطاف و عنایت او را قدر و وقعی نبود حال سنگی که در حوالی طبریاً یک مرتبه بشرف جلوس جسد مطهر آن حضرت فائز شد محلّ زیارت و سجود نصف روی زمین است ملاحظه فرما که چه اهمیتی پیدا نمود همیشه چنین بوده و خواهد بود که مطالع نور الهی در زمان خود در انتظار اهمیتی نداشتند و عنایاتشان سبب مفخرت و مسرت ناس نبود لکن چون انوار شمس حقیقت بر آفاق تابد بتراب اقدام آن نفوس مبارکه ملوک ارض سجده نمودند باری مقصود اینست که این گوهر بخشایش الهی را محفوظ بدار و چون لؤلؤ مکنون در صدف قلب جای و مأوی ده همتی فرما که روز بروز این درّ یگای درّی رونق و لطافتش تزايد یابد و در قطب امکان بر اکیل شرف باذخ بدرخشد عبدالبهاء نهایت حرمت را از این جهة در حق آن حضرت ملحوظ داشته و دارد و در بعضی از مکاتیب ذکرش را نموده آنچه از برای تو باقی خواهد ماند اینست پایدار و مادون آن موج سراپست نه آب نمایش است نه بخشایش وهمست نه حقیقت و عنقریب بر آن حضرت نیز این حقیقت آشکار گردد

خلاصه اگر عزّت ابدیه جوئی و سلطنت سرمدیه که صیت بزرگواریت در جهان باقی منتشر گردد و آوازه قدسیّت تا بملکوت الهی رسد در عبودیت آستان مقدّس الهیه سهیم و شریک عبدالبهاء شو و این عالم فانی را بکلی فراموش فرما از خود بگذر و بحضرت دوست پیوند عبدالبهاء بنهایت خاکساری تضرّع و زاری مینماید که شاید به بندگی درگاه الهی موفق شود زیرا بندگان حق عبودیت صرفه را اکیل جلیل خویش دانند و خدمت یاران الهی را مفخرت عظمی شمرند لهذا در این مورد بنگارش این نامه پرداخت از خداوند میطلبم که این بنده گنهکار عبدالبهاء را موفق بسرور قلب یاران نماید

باقی همواره بیادت مسرور و شادمانیم والسلام

۱ شباط سنه ۱۹۰۱

المشتاق عباس